

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی شهرستان پاوه

رحمت میرزائی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۲۱

چکیده

خشونت خانوادگی شایع ترین شکل خشونت علیه زنان با بیشترین عوارض اجتماعی، روانی و اقتصادی است. خشونت شوهران مسئله‌ای است که حیات خانواده و جامعه را تهدید می‌کند. این گونه خشونت‌ها در همه کشورها گزارش شده و موضوع اصلی کنفرانس حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۷ بود که در آن ابعاد گوناگون خشونت و راهکارهای عملی کاهش آن بیان شد. پس هدف تحقیق حاضر، بررسی وضعیت خشونت خانگی (روانی، جنسی، فیزیکی و مالی) در زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی شهر پاوه می‌باشد.

این مطالعه به صورت مقطعی، توصیفی، تحلیلی و بر اساس تحلیل داده‌های ثانویه است که اطلاعات آن به صورت گذشته نگر جمع‌آوری شده است. جمعیت نمونه مورد مطالعه این پژوهش شامل ۸۲ نفر (زن) است که در فاصله زمانی فروردین ۱۳۸۹ تا پایان اسفند ۱۳۸۹ به دلیل خشونت به مراجع قضایی (دادگستری) شهر پاوه شکایت کرده و در آنجا پرونده تشکیل داده‌اند.

یافته‌های تحقیق حاکی از بالاترین میزان خشونت در بین زنان سنین ۲۵ تا ۲۸ می‌باشد که به تناسب، سن که بالا می‌رود میزان خشونت کاهش پیدا می‌کند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ۶۵/۸ درصد زنان مورد خشونت قرار

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۶۲

گرفته دارای تحصیلات دبیرستان و دیپلم بوده‌اند که بالاترین میزان را در جدول به خود اختصاص داده‌اند. کمترین میزان خشونت هم در بین زنانی است که بی سواد هستند. بر اساس این پژوهش زنان در هر سنی ممکن است مورد خشونت قرار گیرند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بیشترین میزان خشونت از نوع خشونت‌های کلامی-روانی است و خشونت‌های جسمی در رده بعدی قرار دارند و موردی از خشونت جنسی و مالی مشاهده نشد؛ که یکی از علل نبود خشونت جنسی در پرونده‌ها، عدم گزارش آن به مراکز قانونی است زیرا مسئله آبرو و حیثیت زنان در جامعه ما از اهمیت ویژه برخوردار است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ۶۸/۳ علت خشونت نامشخص است. اما در موارد بعدی بیشترین علت خشونت به دخالت خانواده بر می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: خشونت، زنان، مراکز قضایی، پاره

مقدمه و بیان مسئله

خشونت‌های خانگی علیه زنان از جمله مسائل و مشکلاتی است که زندگی بسیاری از زنان را در طبقات و قشرهای گوناگون اجتماعی به نوعی متأثر می‌سازد. اگر چه خشونت‌های خانگی معمولاً در حریم خانواده رخ می‌دهد، اما زندگی زنان را در همه عرصه‌ها متأثر می‌سازد. خشونت علیه زنان کیفیت زندگی زنان و فرزندانشان، توانایی، استقلال و مولد بودن زندگی عادی آنها را به شدت تهدید می‌کند و به اختلال می‌کشانند (Anderson, M. ۱۹۹۷). بی تردید خشونت علیه زنان برخاسته از مناسبات اجتماعی است که زنان را در فضای خصوصی تنها می‌کند و به مردان این حق را می‌دهد که بر آنها استیلا داشته باشند. بنابراین برای توضیح و تبیین خشونت باید مناسبات جنسیتی را در نظر گرفت چون از همین مناسبات است که خشونت سرچشمه می‌گیرد (Kurtz, ۱۹۸۸). خشونت خانگی یا خشونت علیه زنان در خانواده شایع‌ترین شکل خشونت علیه آنان است. نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که احتمال ضرب و جرح، تجاوز و قتل زنان توسط همسرانشان، بیش از هر کس دیگری است (اعزاز، ۱۳۸۳: ۴۸). خشونت خانوادگی پدیده‌ای جدید نیست اما توجه به آن به عنوان مسئله‌ای اجتماعی جدید است. بنابراین با توجه به گزارش‌های قابل توجهی که در مورد پدیده خشونت علیه زنان و همسر آزاری وجود دارد، ضرورت بررسی بیشتر خشونت خانگی وجود دارد. غیر عادی بودن رابطه بین زن و شوهرها به لحاظ ارزش‌های فرهنگی و قوانین و مقررات موجود مسئله‌ای است که حیات خانواده و جامعه را تهدید می‌کند. یکی از مصادیق

عینی رابطه غیرعادی و نامتعارف، خشونت در خانواده است (پوررضا و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۲). اصطلاح خشونت خانوادگی^۱ را می‌توان در خصوص کلیه بدرفتاری‌های خانوادگی اعم از «بدرفتاری با همسر»، «زن آزاری»، «خشونت زناشویی» و چندین اصطلاح دیگر به کار برد. شکنز و گلنی در ۱۹۹۵ یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین تعاریف موجود را ارائه داده‌اند. آنها خشونت خانوادگی را بدین گونه تعریف می‌کنند: «خشونت خانوادگی عبارت است از رفتارهای هجومی و سرکوب‌گرانه، از جمله حملات فیزیکی (جسمی)، جنسی و روانی و همچنین اعمال فشار اقتصادی توسط هر فرد بالغ و جوان نسبت به فردی که با او ارتباط نزدیک و تنگاتنگ دارد». به طور کلی، خشونت خانوادگی را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارها معرفی کرد که فرد برای کنترل رفتارها و احساسات فرد دیگر بدان‌ها متوسل می‌شود (Schechter, s & Ganley, ۱۹۹۵). بررسی تاریخی خشونت خانوادگی نشان می‌دهد که زنان و کودکان همیشه تابع قوانین مردان بوده‌اند و در حقیقت هیچ حقی برای آنها در قانون در نظر گرفته نشده بود. تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد که بسیاری از عملکردهای فرهنگی، عقاید و سنت‌های جوامع گوناگون در جهت قربانی کردن زنان و کودکان پایه ریزی شده بودند (مانند قطع اندام تناسلی، کشتن نوزادهای دختر، مجبور کردن به روسپیگری و غیره). (Heise, L. ۱۹۸۹: ۶۳). در دهه ۱۹۸۰ برود^۲ و گرین^۳، طی تحقیقی نشان دادند که ضرب و شتم زنان توسط شوهران‌شان در ۵۷ کشور از ۷۱ کشور مورد مطالعه انجام می‌گرفته و و امری بسیار معمول و رایج تلقی می‌شده است (Broude, G. J. & Greene, S. J. ۱۹۸۳، ۲۶۳-۲۸۰). درحالی که پاره‌ای از نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی - مانند حقوق مساوی زنان و تحصیلات زنان - باعث کاهش احتمال وقوع زن آزاری می‌گردد (Holloway, M., ۱۹۹۴: ۷۶-۸۳). بسیاری از نگرش‌های دیگر - مانند استقلال اقتصادی و مالی، منع تقاضای طلاق از سوی زن و ضرب و شتم - زن آزاری را افزایش داده است (Brown, JK, ۱۹۹۲). ترویج فرهنگی خشونت نسبت به زنان در همه کشورها یکسان نیست و از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر، تفاوت می‌کند به عنوان مثال، خشونت فیزیکی و قبول آن به عنوان یک هنجار اجتماعی در کشور چین بسیار کمتر از ایالات متحده آمریکا بوده است (Tang, c, s, k, cruelly, J. W. & porter, J, F. ۱۹۹۳). مردان برای پیشبرد اهداف خود دست به اعمال خشونت می‌زنند. اما زنان نیز از ترس آبرو و یا وحشت از خشونت در برابر خواسته‌های غیر منطقی شوهران خود

^۱. domestic violence یا domestic abuse

^۲. Broude

^۳. Green

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۶۴

تسلیم می‌شوند که این خود آسیب روانی جدی را برای خانواده بدنبال دارد (کار، ۱۳۸۲: روزنامه اعتماد). گزارش‌های جهانی در مورد خشونت و سلامتی مدل اکولوژیک را مطرح می‌کند که دارای ابعاد متفاوت بیولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اثر گذار بر خشونت می‌باشد (Etienne G, Kruey Linda L, Dahlberg J, et al, ۲۰۰۲). در این رابطه گزارشات فراوانی از نقاط گوناگون جهان وجود دارد که عمدتاً از منابع داخلی این کشورهاست. بطور مثال: در شیلی ۶۳ درصد، در آمریکا ۳۵ درصد، در کلمبیا ۲۰ درصد زنان مورد آزار جسمی شوهرانشان قرار گرفته‌اند. همین گزارش نشان می‌دهد که عامل فوت بیش از نیمی از مقتولان زن در کانادا و بنگلادش ناشی از خشونت همسر خود بوده است (Report of the United Nations, ۱۹۹۵). منشی پارلمانی دولت آلمان هم مدعی است که در این کشور سالیانه ۴۵۰۰۰ زن از خانه خود گریخته و به خانه‌های امن پناه می‌برند زیرا از طرف همسران خود مورد ضرب و شتم و خشونت قرار می‌گیرند (www. ۲dw-World/persian). مسئله خشونت علیه زنان آنچنان فراگیر و بدون مرز است که نهادهای جهانی نظیر سازمان ملل متحد و سازمان‌های دفاع از حقوق بشر را واداشته است که نسبت به این موضوع واکنش نشان دهد بطوریکه در قطعنامه کنفرانس حقوق بشر که در سال ۱۹۹۷ در وین برگزار شد با اشاره به اشکال خشونت اعمال شده بر علیه زنان در سراسر جهان به این نکته تاکید شده است که "باید در نگرش مردان به زنان تغییراتی داده شود و زنان به مردان یاری برسانند که در برداشتهای خود نسبت به زنان تجدید نظر کنند" (کار، ۱۳۸۰: ۱۸). متخصصان آسیب‌های اجتماعی در کشورهای غربی ادعا نموده‌اند که یک سوم تا یک پنجم زنان خانه دار مورد خشونت قرار دارند. هرچند داده‌های مستند جهت حمایت این ادعا وجود ندارد اما یافته‌های حاصل از مطالعات کانادایی‌ها نشان می‌دهد که یک دوم زنانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند به وسیله مردانی که آشنای آنان بوده خشونت را تجربه نموده‌اند، و یک ششم کسانی که به تازگی ازدواج کرده‌اند گزارش داده‌اند که مورد خشونت مردان خود قرار گرفته و یک دوم آنان اظهار داشته‌اند که در ازدواج قبلی قربانی خشونت خانگی بوده‌اند (Daily Statistics Canada, ۱۹۹۳). از آغاز ظهور ایرانیان در تاریخ، خانواده به عنوان اصلی‌ترین هسته و نهاد اجتماعی همواره صورتی منسجم، معتبر و مقدس داشته است. از این رو خانواده ایرانی در واقع کانون موجودیت و احراز هویت به شمار می‌آید. ساختار خانواده در شهرستان پاره بر پایه شریع اسلامی و سنت‌های خاص خودش استوار است و این خانواده مبتنی بر پدر تباری و پدر مکانی است. فرزندان، نام و نشان از پدر می‌برند و مقررات ازدواج و طلاق و ارث و نگه‌داری از فرزندان براساس فقه اسلامی استوار است. مهم‌ترین انواع خانواده در این شهر، خانواده زن و شوهری است. در این شهرستان، همانند سایر

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۶۵

مناطق ایران، الگوی پدرسالاری سابقه‌ای دیرینه دارد و برخی آموزه‌های اسلامی مانند قوامیت مردان بر زنان و تفکیک نقش‌های اقتصادی زن و مرد، که در قرآن کریم بر آن تأکید شده، در تحکیم این الگو نقش مؤثری داشته‌اند. باید اذعان کرد که ساختار خانواده، به طور کلی، پدرسالار باقی مانده است. اما این ساخت پدر سالار در دوران کنونی، اصول و فرم خاصی پیدا کرده است. اما تغییرات فرهنگی و اجتماعی در طول سال‌ها ساختار خانواده را نیز دگرگون کرده است. این دگرگونی، ناگزیر تبعاتی دارد که اگر به آن دقت نشود می‌تواند خانواده را با مخاطراتی رو به رو کند. همان طور که ذکر شد، موضوع خشونت نسبت به زنان اخیراً مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در این تحقیق هدف، بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی شهرستان پاوه در سال ۱۳۸۹ می‌باشد.

اهداف تحقیق

پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال است که در رفتار خشونت آمیز علیه زنان چه عواملی دخالت دارد و به منظور دست یابی به اهداف زیر صورت گرفته است:

- تعیین وضعیت خشونت خانگی در زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی شهر پاوه بر حسب سن و میزان تحصیلات

- تعیین وضعیت خشونت خانگی در زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی شهر پاوه بر حسب نوع خشونت

- تعیین وضعیت خشونت خانگی در زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی شهر پاوه بر حسب عامل خشونت

- تعیین وضعیت خشونت خانگی در زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی شهر پاوه بر حسب نوع خشونت و

عواملین خشونت

با توجه به این نکته مهم که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی زنان ما اجازه بروز آشکار خشونت‌های اعمال شده را به آنان نمی‌دهد، بنابراین اطلاعات موجود در مراکز قانونی بسیار محدود و ناقص می‌باشد. عدم گزارش خشونت به مراکز ذی ربط و کمبود داده‌های مستند، امکان فرضیه سازی دقیق را از پژوهش‌گر سلب نموده است. به همین علت فقط به تدوین سؤال‌های پژوهش بر اساس داده‌های در دسترس در مراکز قانونی اکتفا شده است.

- ۱- توزیع سنی زنانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند به چه صورت است؟
- ۲- آیا بین زنان مورد خشونت قرار گرفته و میزان تحصیلات آنان رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۳- آیا بین نوع خشونت و شغل عاملین خشونت رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۴- آیا بین نوع خشونت و علت خشونت رابطه‌ای وجود دارد؟

مروری بر ادبیات موضوع

یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پژوهش‌های پیمایشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، طرحی ملی، در ۲۸ استان کشور است که در دفتر امور اجتماعی وزارت کشور و مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، اجرا شد. در این تحقیق انواع گوناگون خشونت خانگی علیه زنان در نه گروه تقسیم بندی شده است که عبارتند از: خشونت‌های زبانی، روانی، فیزیکی، حقوقی، جنسی، اقتصادی، فکری و آموزشی، مخاطرات. یافته‌های طرح ملی نشان می‌دهد که ۶۶ درصد زنان ایرانی، از ابتدای زندگی مشترک‌شان تا کنون، دست کم یک بار مورد خشونت قرار گرفته‌اند (قاضی طباطبائی و دیگران، ۱۳۸۲).

سید سعید پور نقاش تهرانی در تحقیقی با عنوان بررسی خشونت خانوادگی در خانواده‌های تهرانی که باروش پیمایشی در میان پنجاه زوج به شکل تصادفی، از میان زوجینی که به علت خشونت خانوادگی درخواست طلاق داشتند و به سه دادگاه و پزشکی قانونی مراجعه کرده بودند، انجام شده است به بررسی این مسئله می‌پردازد که چه عواملی موجبات خشونت خانودگی را در خانواده‌های تهرانی را سبب می‌شوند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط معناداری میان خشونت خانودگی و عقاید و باورهای نادرست فرهنگی و نیز شاهد خشونت بودن در دوران کودکی وجود دارد (پورنقاش تهرانی، ۱۳۸۴). همچنین پروانه محمدخانی در تحقیقی با عنوان آسیب شناسی روانی

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۶۷

و مشکلات شخصی - ارتباطی زنان قربانی خشونت خانوادگی به شناسایی این آسیب‌ها پرداخته است. این مطالعه از نوع مطالعات زمینه‌یابی بوده که با روش مقطعی انجام شده که ۲۳۰ زن متاهل از مناطق ۲ و ۵، ۱۲ و ۱۸ شهر تهران در این مطالعه شرکت داشته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که خشونت خانوادگی با آسیب‌های روانی و مشکلات شخصی و ارتباطی عمده در در زنان قربانی همراه است (محمدخانی، ۱۳۸۷). «بگرضائی» هم در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل موثر بر میزان خشونت مردان نسبت به زنان در خانواده‌های ایلامی» که با استفاده از روش پیمایشی در سال ۱۳۸۲ انجام داده است به بررسی این مسئله می‌پردازد که چه عواملی بر خشونت مردان علیه زنان در این شهرستان موثرند. محقق برای بررسی فرضیه‌های خود از تئوری‌های یادگیری اجتماعی، پرخاشگری، منابع و خرده فرهنگ خشونت استفاده نموده است. نتایج حاصله حاکی از معنادار بودن رابطه میان تجربه و مشاهده خشونت در خانواده خاستگاه توسط مرد، میزان پایبندی مرد به اعتقادات مذهبی، میزان دخالت خویشاوندان مرد در زندگی آنها ... است اما میان میزان تصمیم‌گیری زن در امور مهم زندگی با میزان خشونت مردان علیه زنان خویش رابطه معناداری وجود ندارد. نتیجه‌گیری کلی نشان می‌دهد که بیش‌تر زنان جامعه آماری از طرف همسرانشان مورد خشونت قرار گرفته‌اند و شایع‌ترین خشونت در بین آنها خشونت روحی - روانی بوده است (بگر رضایی، ۱۳۸۲). همچنین «رئییسی سرتشنیزی» در پژوهشی تحت عنوان «خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان کرد در سال ۱۳۸۰» که با استفاده از روش اسنادی و پیمایشی انجام شده است، به بررسی عوامل مؤثر بر خشونت از دیدگاه ۱۶۲ زوج (زن و مرد) پرداخته است. برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از تئوری‌های سلطه و تضاد استفاده نموده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین شغل مرد، تحصیلات، نوع ازدواج، اقتدار مرد در خانواده با خشونت علیه زنان رابطه معناداری وجود دارد. اما بین تفاوت سنی زوجین و خشونت رابطه معنادار مشاهده نشده است. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیر اقتدار و سلطه مرد در خانواده بیش‌ترین تأثیر را در خشونت علیه زنان دارد (رئییسی سرتشنیزی، ۱۳۸۱). «آقا بیگلویی و آقا جانی» هم در یک مطالعه مقطعی در سال ۱۳۷۹ با عنوان «بررسی پدیده همسر آزاری در شهر تهران» که با استفاده از روش پیمایشی و نظر سنجی از ۵۷۰ زن کتک خورده که به علت آزار فیزیکی و روانی اقدام به درخواست طلاق یا شکایت از همسرانشان نموده بودند و به پزشکی قانونی مراجعه کرده بودند، صورت گرفت به بررسی وضعیت زنان مورد خشونت قرارگرفته و شایع‌ترین نوع خشونت پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که زنان آزار دیده به صورت تکراری و دائمی در معرض خشونت‌های همسر قرار می‌گیرند و آزار همسر غالباً در سال‌های اولیه زندگی مشترک شروع می‌شود، شایع‌ترین روش اعمال خشونت

فیزیکی استفاده از مشت و لگد است و در دوسوم موارد همسر آزاری علاوه بر مشت و لگد از آلات ضرب و جرح نیز استفاده شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که شوهران معتاد به الکل، مواد مخدر و دارای سابقه محکومیت قضائی بیش‌تر اقدام به همسر آزاری می‌کنند (آقا بیگلویی و آقا جانی، ۱۳۷۹). همچنین «ریچارد گلز» در پژوهشی با عنوان «نداشتن سرپناه: پویایی اجتماعی خشونت در ازدواج»، که بر روی ۸۰ خانواده از طریق مصاحبه در دو شهر واقع در نیو همپشایر انجام داده است به بررسی روند خشونت خانوادگی از طریق تحلیل موقعیت خشونت، یعنی خشونت در چه زمانی، کی و در چه شرایطی در خانواده رخ می‌دهد پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که خشونت خانوادگی بیش‌تر در منزل رخ می‌دهد مکان رخ دادن آن بیش‌تر در آشپزخانه و اتاق خواب است. همچنین عواملی مانند شدت و تناوب خشونت، تجربه دوران کودکی، منابع اقتصادی اجتماعی، نداشتن سر پناه و محدودیت‌های بیرونی در ادامه زندگی زن در خانواده پرتنش تاثیر دارد (روی، ۱۳۷۷). در مروری کلی بر پژوهش‌های انجام شده در ایران، به نتایج گاه متناقض نیز بر می‌خوریم. برای مثال افزایش سن در مواردی به افزایش خشونت و در موارد دیگر به کاهش خشونت، و حتی در برخی از پژوهش‌ها بی ارتباط با خشونت دانسته شده است. تحصیلات بالای زنان نیز، بر طبق داده‌های بررسی‌ها، هم به افزایش و هم به کاهش خشونت انجامیده است. همین امر درباره اشتغال به کار زنان نیز صدق می‌کند. یعنی زنان شاغل بیشتر از زنان خانه دار تحت خشونت قرار می‌گیرند (شمس اسفند آبادی، ۱۳۸۲: ۸۲-۵۹). و یا برعکس زنان شاغل در مقایسه با سایر گروه‌ها تحت خشونت کمتری قرار دارند (افتخار، ۱۳۸۳: ۲۷۰-۲۵۰). با وجودی که پژوهش‌های گوناگونی در کشورهای گوناگون جهان درباره خشونت در خانواده صورت گرفته است، داده‌های عمده، مربوط به کشورهای اروپای شمالی، کانادا، و ایالات متحده آمریکاست. بر اساس شواهد و مدارک موجود در مورد گستردگی یا جدی بودن اعمال خشونت بر زنان در بیشتر کشورها کم‌ترین تردیدی وجود ندارد (نوایی نژاد، ۱۳۷۹: ۱۴۹-۱۳۷). از مطالعه تحقیقات گوناگون انجام شده داخلی و خارجی در زمینه خشونت علیه زنان می‌توان نتیجه گرفت، که یافته‌های کشف شده در باره خشونت جزئی از کل واقعیت هستند و می‌توان با تحقیقات بیش‌تر زوایای پنهان‌تری از موضوع را به کمک چارچوب‌های نظری کشف کرد. اهمیت این موضوع وقتی آشکارتر می‌شود که بدانیم در ایران بیش‌تر تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده پیرامون موضوع در شهرهای بزرگ انجام شده است و یا بیش‌تر مربوط به تحقیق در مراکز قضایی یا بهزیستی است. از این رو، ضرورت انجام تحقیقات پژوهشی در شهرهای کوچک‌تر و دارای خرده فرهنگ‌های سنتی‌تر از فرهنگ کل کشور ضرورت بیش‌تری پیدا می‌کند.

چارچوب نظری تحقیق

نظریه‌هایی که در پی خواهد آمد برای تبیین خشونت به متن‌های اجتماعی از جمله خانواده، محله و اجتماع نگاه می‌کنند. از دید نظریه‌پردازان اجتماعی عواملی چون یادگیری اجتماعی، منابع، انتخاب حسابگرانه و... از اهمیت خاصی برخوردار است. در ادامه به برخی از این نظریه‌ها اشاره می‌شود.

نظریه یادگیری اجتماعی

براساس این دیدگاه رفتارهای افراد در اثر همنشینی با افراد جامعه آموخته می‌شود این دیدگاه به نقش خانواده و همسالان در ارتکاب خشونت اشاره دارد. باندورا مدعی است که غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در خلال فرآیند الگوسازی فراگرفته می‌شوند. برگس و اکرس نیز یادگیری رفتار کجروانه را عمدتاً از طریق فرآیندهای تقویت و مکانیسم‌های اساسی آن یعنی تشویق و تنبیه مورد توجه قرار می‌دهند و معتقدند ادامه یا توقف هر نوع رفتاری بستگی به تشویق یا مجازات دارد؛ یعنی تشویق موجب ادامه رفتارهای انحرافی همچون سایر رفتارهای اجتماعی در اثر آمیزش با دیگران آموخته می‌شود (رئیس، ۱۳۸۲: ۱۴۰). آرد نیز معتقد است همه رفتارها و اعمال افراد در زندگی تحت تأثیر مدل‌ها و نمونه‌ها می‌باشند. او می‌گوید که تقلید امری اجتماعی بنیادی است و بر روابط بین افراد حاکم است (Reid, ۲۰۰۰). ویلسون و هرنشتاین، محیط خانواده و تجربه‌های نخستین فرد در مدرسه را از جمله مهم‌ترین علل اجتماعی مؤثر در رفتارهای کجروانه (خشن) به حساب می‌آورند. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۱۱). "نظریه یادگیری پیشنهاد می‌کند که افراد رفتارهای خشن را با مشاهده یاد می‌گیرند و اگر این گونه رفتارها مورد تنبیه قرار نگیرد و برعکس مورد تشویق واقع شود، تقویت می‌گردد و ادامه می‌یابد" (باندورا، ۱۹۷۷). برای مثال پسری که می‌بیند پدرش مادرش را می‌زند احتمال این که در آینده همسرش را بزند، زیاد است. بنابراین خشونت به واسطه قرار گرفتن در معرض ارزش‌های اجتماعی و اعتقادات راجع به نقش‌های زنان و مردان یاد گرفته می‌شود و زمانی تقویت می‌شود که تنبیه مناسب اعمال نگردد. همچنین باندورا معتقد است فراگیری خشونت تحت

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۷۰

شرایط مستقیم (تنبیه و تشویق) و مشاهدات فرد انجام می‌پذیرد. از این دیدگاه پدیده یادگیری اجتماعی عمدتاً ناشی از تجاربی هستند که بر پایه یادگیری نیابتی و از طریق مشاهده رفتار فرد دیگر و پیامدهای آن شکل می‌گیرند (باندورا، ۱۳۷۲: ۲۴-۲۵).

نظریه کنترل اجتماعی

به اعتقاد هیرشی بزهکاری زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود (مشکاتی و مشکاتی، ۱۳۸۱: ۱۲). از نظر وی درجه قبول ارزش‌ها و هنجارهای جامعه از طرف افراد به میزان پیوستگی آن‌ها با نظام اجتماعی بستگی دارد. از نظر او بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. با سست شدن این پیوندها از شدت اعتقادات کاسته می‌شود. هیرشی چهار عنصر را به عنوان عناصر پیوند دهنده افراد جامعه به یکدیگر بر شمرده که موجب جلوگیری افراد از ارتکاب به خشونت و جرم می‌گردد. این چهار عنصر عبارتند از: ۱- دلبستگی یا تعلق خاطر به خانواده، دوستان و جامعه ۲- تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه ۳- مشارکت و درگیر بودن در فعالیت روزمره ۴- اعتقادات و باورهای فرد به قواعد اخلاق و اجتماعی (رئسی، ۱۳۸۲: ۱۴۱).

نظریه فشار

نظریه‌های فشار مدعی هستند جرم تابعی از تضاد بین اهداف و ابزارهایی است که مردم می‌توانند به شیوه مشروع برای رسیدن به آن اهداف از آن‌ها استفاده کنند. دورکیم از پیشگامان نظریه فشار، نظریه آنومی را برای تبیین جرم و کجروی فرمول‌بندی نمود. از نظر او آنومی زمینه ساز گوناگون ناهنجاری‌های اجتماعی است (رئسی، ۱۳۸۲: ۱۴۰). مرتن معتقد است وقتی افراد ابزارهای مشروع برای رسیدن به اهداف را نداشته باشند، احساس فشار می‌کنند و در نتیجه ممکن است راه‌های غیرقانونی و نامشروع را برای رسیدن به اهداف خود برگزینند و در واقع به جرم و بزهکاری متوسل شوند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۴۱). کوهن نیز در نظریه خود با عنوان ناکامی منزلتی، کجروی را به پایگاه

اجتماعی و طبقات منسوب می‌کند و منشأ این رفتارها را عدم دسترسی به اهداف مورد قبول جامعه می‌داند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۳۳). مشکلات اقتصادی، بیکاری، کمبود درآمد؛ معمولاً موجب افزایش فشار و نگرانی در خانواده شده، گاهی اوقات این فشارها منجر به رفتارهای خشونت آمیز می‌شود. از طرفی ممکن است خشونت خود راهی برای برخورد با این فشارها باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که خانواده‌های فقیر و کم درآمد خشونت‌های خانگی بیشتری را تجربه می‌کنند. و این امر به خاطر فشار و، تنشهایی است که در مورد بیکاری، فقر و کمبود درآمد ایجاد می‌شود (سلزر و کالموس ۱۹۸۸، آنشرسل، ۱۹۹۲). البته نباید از وجود خشونت در میان سایر طبقات اجتماعی غافل ماند، زیرا طبقات متوسط و بالا، بیشتر قادرند این مسائل را در زیر نقاب پنهان کنند و یا آنها را حاشا نمایند. بنابراین با توجه به نظریه فشار می‌توان گفت که پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین همسران، ناکامی. عملکرد تحصیلی پایین در ارتکاب خشونت و رفتارهای خطرناک تأثیر عمده‌ای دارند.

نظریه منابع

نظریه منابع که در سال ۱۹۷۱ توسط ویلیام گود مطرح شد، بر این امر تأکید می‌کند که غالباً مردان منابع اقتصادی را در دست دارند و همین امر موجب برتری آنها در روابط خانوادگی می‌گردد و حال آنکه زنان به لحاظ منابع اقتصادی عمدتاً به همسران خود وابسته‌اند و از طرفی چون مراقبت از فرزندان را بر عهده دارند، اگر مردان را ترک کنند، با مشکلات اقتصادی روبرو خواهند شد؛ از این رو در روابط خشن باقی می‌مانند. وابستگی زنان به این معناست که آنها راه‌های محدودی در دسترس دارند و پس کمتر می‌توانند بر مردان قدرت و نفوذ داشته باشند. اگر یکی از زوجین به دنبال کنترل قدرت باشد؛ معمولاً آزار را انتخاب می‌کند، و آزار انواع گوناگونی دارد، مانند تهدید، ترس، مزوی ساختن، آزار بچه‌ها، محدودیت‌های مالی و... و حال آنکه زوج‌هایی که به لحاظ قدرت و منابع مساوی هستند؛ کمتر تضاد را تجربه می‌کنند و وقتی هم تضاد پیش می‌آید، با راه‌های غیر خشن آن را خنثی می‌سازند.

نظریه جامعه پذیری جنسیتی

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۷۲

دوبار از جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی به عنوان عامل تداوم سلطه مرد بر زن یاد می‌کند. به اعتقاد وی، شخصیت دختران و زنان می‌توانست بسیار متفاوت با الگوهای نابرابر کنونی شکل گیرد مشروط به این که دختر بچه‌ها از ابتدا با همان توقعات و پاداش‌ها، و همان سخت‌گیری‌ها و آزادی‌های تربیت می‌شدند که برادرانش تربیت می‌شوند (بستان، ۱۳۸۲: ۱۱). نحوه برخورد والدین با فرزندان باعث می‌شود ویژگی‌هایی همچون پرخاشگری، موفقیت، رقابت، اتکای به نفس و استقلال بیش‌تر از پسر مورد انتظار باشد. همچنین بیش‌تر به آنها توصیه می‌شود که برای احقاق حق خود ایستادگی کنند. در عوض از دختر انتظار می‌رود که سازش کنند، صلح جو باشد، اختلافات را نه با جنگ و جدال بلکه با صحبت حل و فصل کند، مهربان و مراقبت کننده باشد (راس ۱۳۷۳، ۲۷۵). بنابراین می‌توان گفت جامعه‌پذیری جنسیتی با نهادینه کردن نابرابری از یک سو و تداوم بخشیدن به آن در نسل‌های آینده از سوی دیگر می‌تواند در حکم بسترهای نابرابر جنسیتی شناخته شود. طبق الگوی جامعه‌پذیری جنسیتی که در آن مردانگی ارزش محسوب می‌شود، زنان موجوداتی تابع و مطیع در ساختار مردسالار خانواده‌اند و در حوزه‌های خصوصی خانواده محصورند و مردان در دنیای معمولی حضور و اشتغال دارند (ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۲۸). بر اساس این نظریه، فرآیند جامعه‌پذیری در خانواده گرایش‌های جنسیت زن و مرد را در خانواده درونی کرده و آن را به فرزندان انتقال می‌دهد و باعث دائمی شدن سلطه مرد و مطیع بودن زن می‌شود. چرا که معمولاً از زنان تصویر آرام، مطیع، منفعل، عاطفی و وابسته و از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم رسم کرده است و در چنین شرایطی زنان، نقش جنسیتی سنتی پایگاه مطیع بودن خود را در مقابل نقش سلطه‌گرای مرد می‌پذیرند. مطابق این دیدگاه، خشونت رفتاری است که یاد گرفته می‌شود و معمولاً در جوامع مجبور کردن زنان و خشونت علیه آنها مشروع و یک نوع رفتار طبیعی است. واکنش‌های جنسیتی سنتی خشونت را تشویق می‌کند.

نظریه هویت جنسی

میشل فوکو معتقد است که در جوامع غربی افراد هویت خودشان را با هویت جنسی شان یکی می‌دانند و خودشان را موجوداتی جنسی به شمار می‌آورند. آنها این مفهوم خود جنسی را به سراسر زندگی اخلاقی و سنتی‌شان پیوند می‌دهند. بدین معنا که هر فردی برای آن که بداند چگونه باید رفتار کند و جامعه از او چه انتظاری دارد، نخست

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۷۳

الگویی را در نظر می‌آورد که موجودی از جنس او باید مطابق آن رفتار کند (توکلی، ۱۳۸۲: ۸۰). از نظر مایکل کمیل، نیز مردانگی مجموعه‌ای از مفاهیمی است که در فرآیند رابطه ما با خودمان، با دیگران و با دنیای مان ساخته می‌شود. مردانگی شکل‌گیری اجتماعی دارد و از ساختمان زیست‌شناختی ما نمی‌جوشد بلکه ساخته فرهنگ است (همان منبع). کمیل معتقد است، که خشونت جنسیتی از سه عامل سرچشمه گرفته می‌گیرد:

۱- قدرت اجتماعی بی‌تناسب و ناعادلانه مردان و در برخی موارد استفاده آن‌ها از خشونت (بر ضد زنان و نیز بر ضد مردان دیگر، خودشان، طبیعت ...) برای حفظ این قدرت یا دست کم تقویت حس قدرت.

۲- احساس سزاوار قدرت و امتیاز بودن که بیش تر مردان آن را تجربه می‌کنند.

۳- مجاز بودن اجتماعی و حقوقی و فرهنگی ارتکاب به خشونت جنسیتی، که کم و بیش در همه فرهنگ‌های مردسالار وجود دارد. (همان منبع، ۸۳-۸۲).

نظریه ستمگری جنسی (پدر سالاری)

همه نظریه‌های ستمگری جنسی موقعیت زنان را پیامد رابطه ناعادلانه قدرت میان زن و مرد می‌داند، رابطه‌ای که طی آن، مردان که منافع عینی و بنیادی در نظارت، سوء استفاده، انقیاد و سرکوبی زنان دارند، از طریق اعمال ستم جنسی بر زنان این منافع را برآورده می‌سازند. بر این اساس، الگوی ستمگری با عمیق‌ترین و فراگیرترین اشکال در سازمان جامعه عجین می‌شود و یک ساختار تسلط بنیادی تشکیل می‌دهد که عموماً پدرسالاری خوانده می‌شود. پدرسالاری، هویت مردانه را که همان خشونت ورزی باشد، مورد پرستش قرار می‌دهد و به کسانی که نقش جنس گونه مردانه را اعمال می‌کنند و به آن احترام می‌گذارند، قدرت و امتیاز می‌دهد (شاه حسینی، ۱۳۷۳: ۸). ساختار پدر سالارانه، با خود الگوهایی از ذهنیت، قضاوت، ارزش و هنجار و رفتار را به وجود می‌آورد و انتقال می‌دهد و این امر را نهادینه می‌سازند، که فرمان دادن و در صورت اقتضاء درجاتی از خشونت مرد طبیعی و متعارف تلقی می‌شود و از زن فرمان بردن و تمکین انتظار می‌رود؛ اقتدار مردانه و نظارت دقیق او بر همه امور از جمله رفت و آمد و کردار زن نماد حفظ کیان خانواده و جامعه و ارزش‌ها و قواعد آن شناخته می‌شود. در این نگرش، مسائل ناموسی از

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۷۴

اهمیت فراوانی برخوردارند و ضمانت اجرایی آن در حاکمیت مرد قرار دارد، خانواده حریم خصوصی مرد شناخته می‌شود و او است که باید در نقش سرپرست خانواده اعضای خود را شامل همسر، و فرزندان (بویژه دختران) را کنترل کند (گرت، ۱۳۸۰: ۲۷).

نظریه فمینیستی

تز اصلی این نظریه این است، که فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی مستقیم و غیر مستقیم در جهت حمایت از یک نظم اجتماعی خاص و ساختار خانوادگی پدرسالار عمل می‌کند. پدرسالاری باعث می‌شود، زن‌ها پایین تر قرار بگیرند و الگوی تاریخی خشونت سیستمی علیه زنان شکل بگیرد (گرت، ۱۳۸۰: ۱۳). دوباش و دوباش^۴ در یک بررسی تاریخی، پدیده زنان کتک خورده را از دوران روشنگری در اروپا تا امروز تعقیب کرده‌اند و نشان می‌دهند که زنان در نظام‌های پدرسالاری، همیشه از طریق استفاده از خشونت بدنی، تحت سلطه و فرمانبرداری مردان قرار گرفته‌اند و هنوز هم قرار دارند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۷۷).

نظریه کارکردگرایی

بر خلاف نگرش فمینیست‌ها، نظر کارکردگرایان در مورد خشونت خانوادگی، توجیه کننده خشونت است. آنها خانواده را گروهی در نظر می‌گیرند، که در آن افرادی با جنسیت‌ها و گروه‌های سنی متفاوت، مدت طولانی در ارتباط نزدیک با یک دیگر قرار می‌گیرند. برخلاف سایر گروه‌ها، در این گروه سلسله مراتب بر اساس تخصص یا صلاحیت و لیاقت صورت نمی‌گیرد، بلکه بر اساس جنسیت، سن و قدرت اقتصادی است. وجود علایق متفاوت در این گروه ناهمگون، سبب به وجود آمدن تضادهای آشکار یا پنهان می‌شوند. این تضادها، ویژگی‌ها و کارکردهای مناسب خانوادگی را از بین می‌برند. از این رو، هر اقدام در راستای رفع تضادهای خانوادگی اگر چه با استفاده از

^۴. Dobash & Dobash

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۷۵

قدرت و در مواردی، از راه خشونت باشد، موجه و ضروری است (اعزازی، ۱۳۸۰: ۶۹). از این رو، در دیدگاه کارکردی خشونت، برای بقای خانواده کارکرد پیدا می‌کند. از نظر این دیدگاه، افراد در گروه خانواده دارای نقش‌های بارزی می‌باشند. مثلاً شوهر به عنوان پدر، نان‌آور خانواده محسوب می‌شود و همسر به عنوان مادر و وظیفه خانه‌داری را بر عهده دارد. هر یک از افراد گروه‌های خانواده برای ادامه زندگی، بنا به مقتضیات و انتظارات نهادی - اجتماعی نقش‌های گوناگون خود را ایفا می‌کنند (سیف، ۱۳۶۸: ۵۶). پارسونز به عنوان یکی از پایه‌گذاران این نظریه بر تفکیک نقش‌های جنسیتی تاکید می‌کند و پدر را رئیس و مادر را مدیر داخلی خانواده می‌داند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۷۱-۷۰).

نظریه فرهنگ

نظریه فرهنگ خشونت از دیگر نظریه‌های تبیین کننده همسرآزاری است. این نظریه بیان می‌کند، که اساس انواع گوناگون رفتارهای سوء مانند همسرآزاری، کودک آزاری و سالمند آزاری به وسیله جامعه شکل می‌گیرد. از این دیدگاه، فرهنگ میراث اجتماعی گذشته است، که بر رفتار کنونی و آینده انسان تاثیر می‌گذارد. دوباش و دوباش ارتباط مشخصی میان رفتار خشونت آمیز مردان نسبت به زنان و هنجارهای اجتماعی یافته‌اند. مردانی که با همسران خود بدرفتاری می‌کنند، در فرهنگی زندگی می‌کنند، که در آن حاکمیت مردان بسیار بیش‌تر از زنان است. از ویژگی‌های دیگر این فرهنگ، تاثیر پرخاش گری مردان، وجود حاکمیت مردانه و فرمانبرداری زنان است. بنابراین، در جوامع پدرسالارانه، استفاده از قدرت برای ثبات و برقراری امتیازات مردان دارای مشروعیت است. در برخی جوامع، زمانی که نظم اجتماعی به خطر می‌افتد، برای استقرار آن از خشونت استفاده می‌شود. این شکل از نظارت اجتماعی، یعنی اعمال خشونت برای بقای نظم اجتماعی در جامعه هم در سطح کلان و هم در سطح خرد (خانواده) صورت می‌گیرد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۷۱).

مواد و روش‌ها

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۷۶

این مطالعه به صورت مقطعی، توصیفی، تحلیلی و بر اساس تحیل داده‌های ثانویه است که اطلاعات آن به صورت گذشته نگر جمع‌آوری شده است در تحقیق و مطالعه حاضر، جامعه آماری ما افرادی هستند که به دلیل خشونت به مراکز قضایی شهر پاوه مراجعه نموده‌اند. جمعیت نمونه مورد مطالعه این پژوهش شامل ۸۲ نفر (زن) است که در فاصله زمانی فروردین ۱۳۸۹ تا پایان اسفند ۱۳۸۹ به دلیل خشونت به مراجع قضایی و دادگاه شکایت کرده و در آنجا پرونده تشکیل داده‌اند و یا درخواست طلاق داده و یا طلاق گرفته‌اند. همه اطلاعات بایگانی شده مورد بررسی قرار گرفته و داده‌های مورد نظر از طریق این پرونده‌ها جمع‌آوری شده است. در این تحقیق روش برگزیده شده برای جمع‌آوری اطلاعات، از نوع کتابخانه‌ای یا به عبارت بهتر استفاده از داده‌ها و آمار ثبت شده در پرونده‌های موجود در مراجع قضایی می‌باشد. به دلیل بعضی محدودیت‌ها و عدم دسترسی به زنان خشونت قرار گرفته، امکان تهیه پرسشنامه یا امکان انجام مصاحبه حضوری با شاکیان (زنان مورد خشونت قرار گرفته) وجود نداشت و داده‌های به دست آمده فقط توسط اطلاعات ثبت شده در پرونده‌ها جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از جداول دویعدی و چند بعدی و همچنین از کای اسکوتر استفاده شده است.

تعریف مفاهیم

خشونت

تعریف نظری: خشونت رفتاری با قصد و نیت آشکار (یا رفتاری با قصد و نیت پنهان اما قابل درک) برای

وارد کردن آسیب فیزیکی به فرد دیگر است.

تعریف عملی: هر نوع عملی که توسط دیگران در حق زنان انجام بگیرد که باعث ناراحتی، عصبانیت، احساس نبود استقلال، ناتوانی، انزوا و پوچی در آنان شود.

در این پژوهش، متغیر وابسته خشونت می‌باشد که شامل چهار بعد روانی (عاطفی)، فیزیکی (جسمی)، جنسی و اقتصادی است.

• **خشونت روانی و عاطفی:** منظور از خشونت روانی در این تحقیق کلیه رفتارهایی مانند داد و فریاد کردن، تمسخر در جمع، تحقیر وضعیت جسمانی و ظاهری، دشنام و ناسزا، تهدید قربانی به استفاده از خشونت، تحقیر اندام و ظاهر زن، تحقیر از طریق انتقاد و سرزنش خانواده و دوستان، تهدید به طلاق یا ازدواج مجدد، نگاه تحقیر آمیز به زن، متهم کردن زن به تنبلی و بی تفاوتی و تصمیم گیری در کلیه امور مربوط به خانواده می‌باشد.

• **خشونت فیزیکی یا جسمی:** منظور از خشونت اعمالی نظیر این موارد می‌باشد: هل دادن، لگد زدن، ضربه زدن، کشیدن موی سر و لباس، سیلی زدن، حمله با چوب، کابل و وسایل خطرناک مثل کارت، کتک زدن در حد کبودی، خون مردگی و صدمات جدی (شکستن دست و پا).

• **خشونت جنسی:** منظور از خشونت جنسی ارتباط جنسی بدون تمایل همسر و ابراز نارضایتی از رابطه زناشویی بصورت تحقیر آمیز است.

• **خشونت اقتصادی:** منظور از خشونت اقتصادی کلیه رفتارهای خشونت آمیز است که از سوی مرد نسبت به همسر خود صورت می‌گیرد و شامل ندادن خرجی و برآورده نکردن نیازهای مالی زن در صورت داشتن درآمد کافی، سوء استفاده‌های مالی از زن، کنترل دائمی مخارج زن و وادار کردن زن به رفتار مطابق میل مرد می‌باشد.

یافته‌ها

اولین سؤال تحقیق مربوط می‌شود به توزیع سنی زنانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند به چه صورت است؟ طبق جدول ۱، بالاترین میزان خشونت در بین زنان سنین ۲۵ تا ۲۸ (۲۵/۶٪) می‌باشد. زنان سنین بین ۱۷ تا ۳۲ سال که مورد خشونت قرار گرفته‌اند نزدیک به ۷۸/۰۴ درصد کل زنان را تشکیل می‌دهند.

جدول ۱- سن زنان مورد خشونت قرار گرفته و میزان تحصیلات آنان

میزان	بیسواد	ابتدایی	دبیرستان	دیپلم	بالتر ازدیپلم	فراوانی	درصد
۱۶-۱۲	-	-	۱	-	-	۱	٪۱/۲
۲۰-۱۷	-	-	۹	۵	-	۱۴	٪۱۷/۰۷
۲۴-۲۱	-	۱	۶	۸	۲	۱۷	٪۲۰/۷
۲۸-۲۵	-	-	۸	۱۱	۲	۲۱	٪۲۵/۶
۳۲-۲۹	-	۶	۲	۲	۲	۱۲	٪۱۴/۶
۳۶-۳۳	-	۱	۱	۱	۳	۶	٪۷/۳
۴۰-۳۷	-	۲	-	-	-	۲	٪۲/۴
۴۵-۴۱	-	۵	-	-	-	۵	٪۶/۰۹
بالتر از ۴۵	۳	۱	-	-	-	۴	٪۴/۸
فراوانی	۳	۱۶	۲۷	۲۷	۹	۸۲	٪۱۰۰
درصد	٪۳/۶	٪۱۹/۵	٪۳۲/۹	٪۳۲/۹	٪۱۰/۹	٪۱۰۰	

$$X^2 = 239/14$$

سؤال دوم در رابطه با میزان تحصیلات زنان مورد خشونت قرار گرفته، می‌باشد و این که آیا بین زنان مورد خشونت قرار گرفته و میزان تحصیلات آنان رابطه‌ای وجود دارد؟ جدول ۱ نشان می‌دهد که بالاترین میزان خشونت در بین زنانی است که تحصیلات آنان در محدوده تحصیلات دبیرستان و دیپلم است که هر دو به یک میزان ۳۲/۹ درصد می‌باشد که با جمع این دو میزان مساوی به درصد جدید که ۶۵/۸ است می‌رسیم و نتیجه می‌گیریم که ۶۵/۸ درصد زنان مورد خشونت قرار گرفته دارای تحصیلات دبیرستان و دیپلم بوده‌اند که بالاترین میزان را در جدول به خود اختصاص داده‌اند. کمترین میزان خشونت هم در بین زنانی است که بی سواد هستند و طبق جدول، آن‌ها ۳/۶ درصد می‌باشند. برای آزمون رابطه بین سطح تحصیلات زنان مورد خشونت قرار گرفته و سن آنان از آزمون مجذور کای اسکوئر (خی دو) استفاده کرده‌ایم. آمارهای به دست آمده در سطح ۹۵ درصد اطمینان این رابطه را مورد تأیید قرار می‌دهد.

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۷۹

- در پاسخ به سؤال سوم، جدول ۲ طبقه‌بندی نوع خشونت و فراوانی آن را نشان می‌دهد. همان طور که در جدول دیده می‌شود، بیشترین میزان خشونت از نوع روانی است با ۵۳/۶۶ درصد و سپس خشونت جسمانی با ۴۶/۳۴ درصد. و خشونت جنسی و مالی نیز وجود ندارد و صفر است.

جدول ۲- فراوانی نوع خشونت‌های اعمال شده

نوع خشونت	جسمانی	روانی	جنسی	مالی	فراوانی
فراوانی	۳۸	۴۴	-	-	۸۲
درصد	%۴۶/۳۴	%۵۳/۶۶	-	-	%۱۰۰

در پاسخ به سؤال چهارم که عاملین خشونت چه کسانی هستند، جدول ۳ نشان می‌دهد که همسران ۱۰۰ درصد عاملین خشونت را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳- چه کسانی عامل خشونت هستند؟

عامل خشونت	همسر	پدر	پسر	برادر	خانواده همسر	غیره	جمع
فراوانی	۸۲	-	-	-	-	-	۸۲
درصد	%۱۰۰	-	-	-	-	-	%۱۰۰

اما سؤال پنجم این است که آیا بین نوع خشونت و شغل مردانی که دست به خشونت می‌زنند رابطه وجود دارد؟ همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مردانی که در طبقه بندی مشاغل عنوان آزاد را کسب نموده‌اند، با ۶۸/۳ درصد بالاترین میزان اعمال خشونت را به خود اختصاص داده‌اند، و کمترین میزان خشونت مربوط به مردان بیکار است با ۱/۲ درصد. آمارهای جدول هیچ گونه رابطه بین نوع شغل مردان و نوع خشونت را نشان نمی‌دهد.

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۸۰

جدول ۴- رابطه بین نوع خشونت و شغل عاملین خشونت

درصد	فراوانی	مالی	جنسی	روانی	جسمانی	نوع خشونت / شغل عاملین
٪۱/۲	۱	-	-	-	۱	بیکار
٪۱۳/۴	۱۱	-	-	۳	۸	کارگر ساده
٪۷/۳	۶	-	-	۴	۲	کارمند
٪۶/۰۹	۵	-	-	۴	۱	فرهنگی
٪۳/۶	۳	-	-	۲	۱	نیروی انتظامی
٪۶۸/۳	۵۶	-	-	۳۱	۲۵	آزاد
٪۱۰۰	۸۲	-	-	۴۴	۳۸	فراوانی
	٪۱۰۰	-	-	٪۵۳/۶	٪۴۶/۳	درصد

$$X^2 = 6/29$$

و در پاسخ به سؤال ششم که آیا بین نوع خشونت و علت خشونت رابطه‌ای وجود دارد؟ جدول ۵ نشان می‌دهد که درصد بالایی علت خشونت با ۶۸/۳ درصد نامشخص است. با برای بررسی رابطه بین خشونت و علت آن از آزمون مجذور کای اسکوتر استفاده شده است. داده‌های مربوطه، نشان دهنده آن است که بین خشونت و علت آن رابطه وجود ندارد.

جدول ۵- رابطه بین نوع خشونت با علت آن

درصد	فراوانی	مالی	جنسی	روانی	جسمانی	نوع خشونت / علت خشونت
٪۶/۰۹	۵	-	-	۴	۱	اعتیاد

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۸۱

ترک منزل	۳	-	-	۳	-	٪۳/۶
افتادن در زندان	۱	-	-	۱	-	٪۱/۲
ندادن خرجی	۱	-	-	۱	-	٪۱/۲
فساد اخلاقی	۲	-	-	۲	-	٪۲/۴
ازدواج مجدد	۴	-	-	۳	۱	٪۴/۸
دخالت خانواده	۹	-	-	۷	۲	٪۱۰/۹
مالی - ارثی	۱	-	-	۱	-	٪۱/۲
نامشخص	۵۶	-	-	۲۲	۳۴	٪۶۸/۳
فراوانی	۸۲	-	-	۴۴	۳۸	٪۱۰۰
درصد	٪۱۰۰			٪۵۳/۶	٪۴۶/۳	

$$X^2 = 15/6$$

بحث و نتایج

خشونت علیه زنان در خانواده پدیده‌ای کهن و مسئله‌ای جهانی است. این نوع خشونت در محیط خصوصی به وقوع می‌پیوندد و معمولاً میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند. در ایران به ندرت آمار دقیقی از این پدیده خاص و حساسیت بر انگیز وجود دارد. در این پژوهش تلاش شده بخشی هرچند اندک از عوامل موثر بر خشونت در خانواده در نمونه مورد مطالعه مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس این پژوهش زنان در هر سنی ممکن است مورد خشونت قرار گیرند. خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که در آن زن بخاطر جنسیت خود (صرفاً بعلت زن بودن) مورد اعمال زور و تزیع حق از سوی جنس دیگر (مرد) قرار می‌گیرد. چنانچه این رفتار بین زن و شوهر باشد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می‌شود (Violence and Health proceeding, ۱۹۹۹). در این بررسی با توجه به عوامل فرهنگی - اجتماعی تاثیرگذار در خشونت‌های شوهران نسبت به زنان خود، روی خشونت‌های تکیه شده است که جامعه مورد نظر آن را خشونت تلقی می‌کند. در مطالعه حاضر، چهار نوع خشونت طبقه بندی شده است: جسمانی، روانی، جنسی و مالی. که در بین خشونت‌های اعلام

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۸۲

شده بیشترین فراوانی را خشونت‌های کلامی-روانی تشکیل داده‌اند و خشونت‌های جسمی در رده بعدی قرار دارند. اما به دلیل نقص مدارک موجود در پرونده‌های مورد بررسی، محقق نتوانسته شدت خشونت را مشخص نماید. زیرا یک هل دادن ساده به طور قطع با کتک زدن که منجر به مجروح شدن زن شود فرق دارد در مطالعه حاضر هیچ موردی برای خشونت جنسی و مالی وجود نداشت که یکی از علل نبود خشونت جنسی در پرونده‌ها، عدم گزارش آن به مراکز قانونی است زیرا مسئله آبرو و حیثیت زنان در جامعه ما از اهمیت ویژه برخوردار است. در مورد مالی هم هیچ دلیل منطقی برای توجیه آن نداریم. در پژوهشی هم در زمینه خشونت خانگی در مورد مراجعان زن و قربانیان خشونت در مراکز مشاوره خانواده نشان داده شد که ۸۵ درصد زنان بر این باور بودند که بدترین و وحشتناک‌ترین جنبه کتک خوردن از مرد، تنها خشونت فیزیکی نیست، بلکه خشونت روانی، حالت ترس و احساس سرخوردگی است که آنان در حین کتک خوردن تجربه کرده‌اند (خسروی و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۱). که با نتایج تحقیق ما همخوانی دارد. نتایج تحقیق بختیاری و امیدبخش (۱۳۸۰) نیز نشان داده است که بیشترین نوع خشونت در زنان مورد ضرب و جرح قرار گرفته مراجعه کننده به مرکز پزشکی قانونی بابل، خشونت جسمی بوده است (بختیاری و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۸). که با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد. نتایج پژوهش موسوی و اسحاقچیان ۱۳۸۱ نیز خشونت جسمی را در زنان مورد خشونت قرار گرفته گزارش نموده‌اند (موسوی و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۸-۴۱). هرچند مسئله خشونت علیه زنان ابعاد گسترده‌ای در کلیه کشورهای جهان دارد، اما به دلیل عدم اعلام، عدم ثبت یا کم شماری، آمار دقیقی از آن در دست نداریم، خود زنان نیز در این مشکل آماری دخیل هستند چرا که حاضرند سال‌ها چنین مشکلی را بدوش بکشند ولی بخود جرات نمی‌دهند درباره آن، با کسی گفتگو کنند. پس به نظر می‌رسد میزان واقعی خشونت‌ها بیش‌تر از ارقام گزارش شده در این بررسی باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از بالاترین میزان خشونت در بین زنان سنین ۲۵ تا ۲۸ (۲۵/۶٪) می‌باشد که به تناسب، سن که بالا می‌رود میزان خشونت کاهش پیدا می‌کند. نتایج تحقیق پوررضا نیز نشان داده است که خطر خشونت علیه زنان با افزایش سن زن کاهش می‌یابد (پور رضا، ۱۳۸۰). که با نتایج تحقیق ما همخوانی دارد. نتایج تحقیقات استرالیایی‌ها هم نشان می‌دهد که بالاترین میزان زنانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند در سنین بین ۱۸ تا ۲۴ سال بوده است (Year Book, Australia, ۱۹۹۸). یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ۶۵/۸ درصد زنان مورد خشونت قرار گرفته دارای تحصیلات دبیرستان و دیپلم بوده‌اند که بالاترین میزان را در جدول به خود اختصاص داده‌اند. کمترین میزان خشونت هم در بین زنانی است که بی سواد هستند که ۳/۶ درصد می‌باشند. نتایج تحقیق ملک افضلی و همکاران

در بررسی انواع خشونت خانوادگی نزد زنان در شهر اصفهان نشان می‌دهد که بیشترین خشونت‌ها در بین خانواده‌هایی که در سطح تحصیلات نهضت و ابتدایی هستند گزارش شده است و با افزایش سواد زن و مرد از میزان آن کاسته می‌شود. که با نتایج پژوهش حاضر مغایرت دارد. (ملک افضلی و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۳). تحقیقات بین فرهنگی هم نشان می‌دهد که هر قدر موقعیت اجتماعی پایین‌تر باشد، به همان نسبت فراوانی ابتلا به خشونت بالاتر است (آبوت و همکاران، ۱۳۸۰: ۴۵). مسئله خشونت علیه زنان در جامعه، محصول بنیاد اندیشه مرد سالاری است. در جامعه‌ای که تفکر «قدرت مترادف کنترل» حاکم است، در حقیقت ساختار جامعه به تبعیت از این تفکر شکل می‌گیرد. به علاوه، ضرب و جرح زنان در بسیاری از ارزش‌های صوری مورد تأیید است و بستگی زیاد به نقش‌های جنسیتی پذیرفته شده آن جامعه دارد. زنی که به کرات مورد خشونت مرد قرار می‌گیرد، به مرور عزت نفس‌اش کاهش می‌یابد و این امر را بدیهی می‌شمارد و به تدریج احساس پوچی و بی‌ارزشی می‌کند. تحلیل وسیع‌تر و ارائه نظریه جامعه در مورد خشونت علیه زنان نیازمند پژوهش‌های جمعیت‌شناختی در طیفی وسیع با طراحی سازمان یافته است که در این مجال نمی‌گنجد. اما به نظر می‌رسد برای تعدیل و کاهش این پدیده رفتاری می‌تواند اقداماتی صورت پذیرد که مهم‌ترین آن‌ها بالا بردن میزان تحصیل زنان به خصوص دختران جوان است. هر قدر سطح سواد و دانش زنان افزایش یابد، به همان نسبت توانایی برخورد با آسیب‌های اجتماعی در آنان بیشتر خواهد شد. روان‌شناسان و متخصصان آموزشی بر این باورند که هر قدر دختران بتوانند تجارب آموزشی را در خلال دوره نوجوانی کسب نمایند بهتر می‌توانند آماده رویارویی با چالش‌های زندگی در دوره بزرگسالی باشند. ترک تحصیل زود هنگام یک حادثه زودرس کاذب است که دختران جوان را زودتر از موعد درگیر نقش‌های بزرگسالان می‌کند.

نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که مردانی که بیشترین خشونت را اعمال کرده‌اند دارای شغل آزاد با ۶۸/۳ درصد بوده‌اند. عدم امنیت شغلی در مردان می‌تواند پی‌آمدهایی در زندگی خانوادگی آنان ایجاد نماید که خشونت نمونه‌ای از آن است. به عبارتی این شغل آزاد می‌تواند شغل‌های زیادی را در بر گیرد که امکان دارد در طول ماه‌های سال با بیکاری یا بی‌درآمدی مواجه شوند و این عدم امنیت شغلی می‌تواند در اعمال خشونت تاثیر گذار باشد. در مورد علت خشونت، برخلاف نتایج مطالعه ما، سایر مطالعات نشان می‌دهند که زن آزاری در خانواده‌هایی که اعتیاد به الکل وجود دارد، بیش‌تر دیده می‌شود (قره باغی، ۱۳۸۰: ۶۳-۶۲). (میرزا بابایی، ۱۳۸۰: ۳۳).

تحقیقات جامعه شناسان موید این نظر است که بیکاری و بی پولی و سختی کار مرد می‌تواند منجر به استرس‌های اجتماعی شود و در روابط خانوادگی ایجاد اختلال نماید. حوادث شغلی شوهر، مانند بیکاری یا نبودن تامین اجتماعی و نگرانی از آینده، مشکلات استرس زا هم برای مرد و هم برای افرادی که به طور غیرمستقیم با آن حوادث روبرو هستند، ایجاد می‌کند. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که نتایج به دست آمده در باره پدیده خشونت خانوادگی در زنان مراجعه کننده به مراکز قانونی شهر پاره صرفاً در خصوص زنانی بوده که جهت شکایت از همسرشان به دادگاه و مراکز قانونی مراجعه کرده‌اند و این یافته‌ها را نمی‌توان به دیگر زوجین و اختلافات احتمالی میان آنها تعمیم داد. به هر حال نتایج حاصل از این پژوهش لزوم توجه به زنان به عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه را یادآور می‌شود و ضرورت چاره‌اندیشی در خصوص جلوگیری از این معضل اجتماعی احساس می‌گردد. از طرفی زنان جامعه ما نیز باید آموزش‌های لازم را در خصوص مهارت‌های زندگی و آشنایی و حفاظت از حقوق خود بیاموزند.

منابع

- آبوت، پلاما؛ والاس، کلر. (۱۳۸۰)، «جامعه شناسی زنان»، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، «خشونت خانوادگی یا زنان کتک خورده»، تهران: نشر سالی.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰)، «جامعه شناسی خانواده»، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۳)، زن، معمار جامعه مردسالار، مصاحبه‌گر: شبیم عظیمی نژادان، تهران: اختران.
- افتخار، حسن و دیگران. (۱۳۸۳)، ویژگی‌های فردی قربانیان همسر آزاری در مراجعین به مراکز سازمان پزشکی قانونی، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۲.
- آقاییگویی، عباس؛ آقاجانی، کامران. (۱۳۷۹)، «بررسی پدیده همسر آزاری در شهر تهران»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، خرداد ۸۱، جلد سوم، تهران: انتشارات آگاه.
- بختیاری افسانه، امیدبخش نادیا. (۱۳۸۰)، بررسی علل و آثار خشونت علیه زنان در خانواده در مراجعین به مرکز پزشکی قانونی بابل، دومین کنگره مراقبت‌های پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۸۵

- بستان، حسین. (۱۳۸۲)، «کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم»، مجموعه مقالات حوزه و دانشگاه، سال نهم، شماره ۳۵.
- بگرضایی، پرویز. (۱۳۸۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر میزان خشونت مردان نسبت به زنان در خانواده»، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبائی.
- پور نقاش تهرانی، سید سعید. (۱۳۸۴)، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار، سال دوازدهم- دوره جدید، شماره ۱۳.
- پوررضا الف، موسوی، پ. (۱۳۸۰)، خشونت علیه زنان، تهران: نشر ایران، چاپ اول.
- پوررضا، اق. (۱۳۸۰)، بررسی توزیع فراوانی انواع همسر آزاری در شهر اصفهان ۷۹-۱۳۷۸، انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران.
- توکلی، نیره. (۱۳۸۲)، «هویت جنسی همسران و خشونت بر ضد زنان در خانواده»، پایان نامه دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- خسروی، زهره؛ خاقانی فرد، میترا. (۱۳۸۳)، بررسی رابطه همسر آزاری با تمایل به افکار خود کشی و آسیب رسانی به همسر در زنان شهر تهران. مجله مطالعات زنان، سال دوم، شماره ۶.
- رئیسی سرتشنیزی، امراالله. (۱۳۸۱) «خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- رئیسی، ج. (۱۳۸۲)، جوانان و ناهنجاری‌های رفتاری، فصلنامه علوم اجتماعی علامه طباطبائی، شماره ۲۱.
- راس، آلن (۱۳۷۳)، «روانشناسی شخصیت»، ترجمه: سیاوش جمالفر، تهران: نشر مرکز.
- روی، ماری (۱۳۷۷)، «زنان کتک خورده: روانشناسی خشونت در خانواده»، ترجمه: مهدی قراچه داغی، تهران: نشر علمی
- سلیمی، ع و داوری، م. (۱۳۸۶)، جامعه شناسی کجروی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- سیف، سوسن. (۱۳۶۸)، «تئوری رشد خانواده»، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا (س).
- شاه حسینی، فرشته. (۱۳۷۳)، «میزگرد خشونت، بحثی در علل و ابعاد»، جامعه سالم، شماره ۱۷.
- شمس اسفند آباد، حسن و دیگران. (۱۳۸۲)، بررسی میزان رواج همسر آزاری و عوامل مؤثر بر آن، پژوهش زنان، فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، شماره ۵۹.
- قاضی طباطبائی، محمود و دیگران. (۱۳۸۲)، "طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان"، دفتر امور اجتماعی وزارت کشور و مراکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۸۶

- قره باغی ر. (۱۳۸۰)، خشونت علیه زنان. **مجله درد**، سال دوم، شماره دهم.
- کار. م. (۱۳۸۰)، پژوهش درباره خشونت علیه زنان در ایران، تهران: انتشارات روشنگران، چاپ اول.
- کار. م. (۱۳۸۲)، زنان قربانیان خاموش خشونت‌ها. **روزنامه اعتماد**، ۱۴ آبان.
- گرت، استفانی. (۱۳۸۰)، «**جامعه‌شناسی جنسیت**»، ترجمه: کتابیون بقایی، تهران: نشر دیگر.
- محمدخانی، پروانه و همکاران. (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی روانی و مشکلات شخصی - ارتباطی زنان قربانی خشونت خانوادگی، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال هفتم، شماره ۲۷.
- مشکاتی، م؛ سادات مشکاتی، ز. (۱۳۸۱)، سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان، **مجله انجمن جامعه‌شناسی**، دوره ۴، شماره ۲.
- ملک‌افضلی و همکاران. (۱۳۸۳)، بررسی انواع خشونت خانوادگی نزد زنان در شهر اصفهان، **مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی**، سال ۱۴، شماره ۲.
- موسوی، محسن؛ اسحاقچیان، آزاده. (۱۳۸۱)، بررسی همسر آزاری در زنان شوهردار شهرستان اصفهان در سال، **مجله پزشکی، قانونی**، ۱۳۸۳، شماره ۳۳.
- میرزا بابایی، ع. (۱۳۸۰)، بررسی رابطه وضعیت اقتصادی - اجتماعی با همسر آزاری در زنان مراجعه‌کننده به مراکز، پزشکی قانونی استان مرکزی در سال‌های ۷۹-۱۳۷۸، **خلاصه مقالات همایش سراسری سلامت در خانواده**، دانشکده مامایی اراک.
- نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۷۹)، **روانشناسی زن**، انتشارات جامعه‌ایرانیان، چاپ دوم.

- www.dw-World/persian/frauen/print/۱۴۸۰۵۲/htm

- Anderson, M. (۱۹۹۱). **Thinking about Women: Sociological Perspective on Sex and**
- Bandura, A. (۱۹۷۷). **Social Learning Theory**. New York: General Learning Press.
- Broude, G. J. & Greene, S. J. (۱۹۸۳). **Cross-cultural codes on Husband -wife relationship**.
Ethnology, vol ۲۲
- Brown, JK, (۱۹۹۲) **Introduction: Definitions, assumptions, themes, and sanctuary: cultural perspective on the beating of wives**.
- Daily Statistics Canada, (۱۹۹۳). **The Violence Against Women Survey**, ۱۸ November.

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۸۷

- Etienne G, Krug Linda L, Dahlberg J, et al. (۲۰۰۲). **World report on violence and health**. WHO, Geneva. Gender. University of Delaware, New York, Allyn and Bacon, 4th ed
- Heise, L. (۱۹۸۹). **criminal victimization in the U. S.**, Washington D. C.; U. S. Department of Justice statistics (NCJ NO. ۱۳۹۵, ۶۳.
- Holloway, M. (۱۹۹۴, August). **Trends in women's health-a global view**. Sci, Am.
- Kurtz (۱۹۸۸). "E. F. Hutton to Plead Guilty. " **Washington Post** (Apr. ۱):A ۳.
- **Report of the United Nations Special Reporters on Violence against Women**. (۱۹۹۵). (E/CN. ۴/۱۹۹۶/۵۳).
- Schechter, S & Ganley, D. (۱۹۹۵). **women and male violence and struggle of the Battered women's movement**. Boston: South End.
- Seltzer, J. A.; Kalmuss, Debra (۱۹۸۸). "**Socialization and Stress Explanations for**
- Seltzer, J. A.; Kalmuss, Debra (۱۹۸۸). "**Socialization and Stress Explanations for Spouse Abuse**". Social Forces, ۶۷ (۲)
- Tang, C, S, K., Cruelly, J. W. & Porter, J, F. (۱۹۹۳), **Motives in sexual aggression: The Chinese context**, J. Interpers, Violence ۸: ۴۳۵-۴۴۵
- **Violence and Health proceeding of WHO global symposium**. (۱۹۹۹) October ۱۵; Kobe, Japan.
- Year Book, Australia, (۱۹۹۸). Crime and Justice.

بررسی وضعیت خشونت خانگی در زنان ... ۸۸